

## نقد و بررسی ترجمه کتاب سبک‌شناسی

زهرا سادات طاهری قلعه‌نو<sup>۱</sup>

### چکیده

این مقاله به بررسی و نقد ترجمه کتاب سبک‌شناسی نوشته پل سیمپسون می‌پردازد که نسرین فقیه ملک مرزبان آن را به فارسی ترجمه و انتشارات دانشگاه الزهرا منتشر کرده است. سیمپسون در این کتاب با رویکرد تازه‌ای به سبک‌شناسی نگریسته است. در این مقاله ترجمه کتاب را از چهار منظر نقد ظاهری و صوری، ساختاری، محتوایی و زبانی بررسی می‌کنیم. در نقد ظاهری و صوری به وزن، حجم و قطع کتاب، صفحه‌آرایی، نمودارها، قلم و اندازه حرف‌ها، صحافی و شیرازه‌بندی، جنس کاغذ و جلد، طرح جلد و پشت جلد می‌پردازیم و در نقد ساختاری نظام طبقه‌بندی خاص کتاب؛ در نقد محتوایی ویژگی‌های ترجمه و در نقد زبانی نشانه‌های سجاوندی یا ویرایشی، کاربرد فعل اشتباه، حرف اضافه و ضمیر، دو گونه‌نویسی، ضبط صورت غیررایج اعلام را بررسی می‌کنیم. ارزیابی محتوایی بیشتر معطوف به بررسی دقت و صحت ترجمه و معادل‌گزینی‌ها است. وجود اشکالات ویرایشی و نگارشی، ضعف در معادل‌گزینی‌ها، دو گونه‌نویسی و در موارد بسیاری عدم ترجمه از نقاط ضعف این کتاب است. کتاب سبک‌شناسی افق‌های فکری جدیدی پیش روی خوانندگان فارسی‌زبان می‌گشاید.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌شناسی، نقد ترجمه، پل سیمپسون، نسرین فقیه ملک مرزبان

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، استاد مدعو دانشگاه صنعتی شریف. zahrataheri14@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱

## ۱. مقدمه

کتاب سبک‌شناسی یکی از آثار مهم در حوزه نقد و نظریه است که سبک‌شناسی را با تعریف خاص و ویژه‌ای به مخاطب معرفی می‌کند. برخلاف عنوان کلی اثر که سبک‌شناسی است؛ مطالب مندرج در کتاب به معنای دقیق کلمه در هر مبحث یک کلاس درس است. نویسنده در فصل الف ابتدا به طرح درس و رئوس مطالب با توضیحاتی کلی می‌پردازد و سپس در فصول ب و ج نکات گفته‌شده را به ترتیب با ارائه شواهدی گسترده‌تر بیان می‌کند. آنچه این کتاب را از کتاب‌های نوشته‌شده در این حوزه مستثنی می‌کند توجه ویژه به موضوعاتی از جمله سطوح زبان، دستور، وزن شعر، نظام گذرایی، زاویه دید، بیان گفتار و اندیشه، گفتمان و گفتگو، استعاره و مجاز، جناس، طنز، نقیضه، برجسته‌سازی، نام‌آوا، ریخت‌شناسی، نظریه طرح‌واره، گویش، لهجه، وجهیت و غیره است. موضوعاتی که تا پیش از این یا در کتاب‌های سبک‌شناسی فارسی به آن پرداخته نشده یا کمتر و تنها به برخی از این عناوین ذیل موضوع سبک پرداخته شده است. پل سیمپسون این کتاب را در سال ۲۰۰۴ به نگارش درآورد. سیمپسون، استاد دانشگاه کوئینز بلفاست است و چندین کتاب و مقاله در حوزه زبان و ادبیات به چاپ رسانده است. کتاب سبک‌شناسی از مجموعه کتاب‌های راتلج است. کتاب‌های این مجموعه به چهار بخش تقسیم می‌شوند. ابتدا در مقدمه مفاهیم کلیدی برای زمینه مورد مطالعه آمده است. درس‌های این بخش خوانندگان را مرحله به مرحله با اصطلاحات و نظریات پایه پیش می‌برد و ابزار اولیه مطالعه را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در پایان این بخش، بررسی اجمالی خوبی در این زمینه برای مخاطب شکل می‌گیرد. قسمت دوم این کتاب شرح و بسط است. این بخش به دانش خواننده می‌افزاید و براساس ایده‌های اصلی قبلاً معرفی شده است. همچنین درس‌های موجود در این بخش چند زمینه مورد علاقه را گرد هم می‌آورد. در پایان این بخش، شما درک خوب و نسبتاً دقیقی در این زمینه خواهید داشت و آماده انجام پژوهش و تفکر خودتان خواهید شد. بخش سوم تحقیق و پژوهش است. در این بخش نمونه‌هایی از داده‌های زبانی ارائه می‌شود و شما را در انجام پژوهش و تحقیق خودتان راهنمایی می‌کند. درس‌های موجود در این بخش آزادتر و آزمایشی‌تر است و شما را ترغیب می‌کند تا با استفاده از دانش به دست آمده، امتحان کنید و خودتان فکر کنید. بخش چهارم الحاقی است. در این

## تقدیر بر روی ترجمه کتاب سبک‌شناسی ۱۳۵۱۱۱

بخش خواننده فرصت می‌کند موضوعاتی که تخصص دارد را با مباحث کلیدی در این زمینه مقایسه کند. در این کتاب نمونه‌ها و مثال‌هایی از نویسندگان و شاعران مطرح وجود دارد. نویسندگان چون اتوود، بنکس، سوئیفت، کامینگز، کنراد، دیکنز، مک‌یون، فیلدینگ، لوری، جویس، همینگوی، اروین ولش، یونسکو، جیمسون، آلن‌پو، فیتز جرالده، تونی موریسون، کافکا، هنری جیمز، ویرجینیا وولف و غیره.

ترجمه کتاب سبک‌شناسی سیمپسون را در زمستان ۱۳۹۸ انتشارات دانشگاه الزهرا منتشر کرد. کتاب در ۳۹۹ صفحه و قطع وزیری به چاپ رسید. وزن و حجم کتاب برای مخاطب مشکلی ایجاد نمی‌کند و مناسب است، اما به لحاظ کیفیت صحافی و شیرازه‌بندی مناسب نیست و عطف کتاب با تورق از هم جدا می‌شود. نوع قلم و صفحه‌آرایی نیز ساده و ابتدایی است. طرح روی جلد کتاب پس‌زمینه سرمه‌ای تیره است و با قلم خط‌خطی سفیدی نیم‌رخ انسان را تداعی می‌کند که در مغز آن جملاتی با کلیدواژه سبک‌شناسی تکرار شده است. نام کتاب و نام مؤلف با رنگ سفید بر روی جلد نوشته شده است، اما از نام مترجم بر روی جلد کتاب خبری نیست. طرح جلد بسیار ساده است و از طراحی خاصی استفاده نشده است. در پشت جلد کتاب هم عکس پاول سیمپسون به همراه مختصری از فعالیت‌های او آمده است.

طرح جلد کتاب اصلی آبی پررنگ است که با اشکالی مثل ستاره، فلش، حروف انگلیسی به رنگ‌های سرخابی، مشکی و سفید بدون کادر در کل صفحه پخش شده است و بر سطح آن آثار پاشیدگی رنگ و آمیختگی رنگ‌ها وجود دارد که به نوعی یادآور درهم‌آمیختگی و هم‌پوشانی موضوعات مختلف حوزه سبک‌شناسی می‌تواند باشد.

بخش‌های کتاب به صورت الف (الف ۱، الف ۲، الف ۳، ...)، ب (ب ۱، ب ۲، ب ۳، ...)، ج (ج ۱، ج ۲، ج ۳، ...) و د (د ۱، د ۲، د ۳، ...) آمده است که از این حیث مطابق با مطالب کتاب اصلی است که در ۴ فصل (A,B,C,D) سازماندهی شده است؛ بخش A شامل ۱۲ زیرمجموعه (A1, A2, A3, ...)، بخش B شامل ۱۱ (B1, B2, B3, ...)، بخش C شامل ۱۱ (C1, C2, C3, ...) و بخش D شامل ۱۲ زیرمجموعه (D1, D2, D3, ...) است. البته در بخش D12 در بالای صفحات به اشتباه D11 صفحه‌آرایی شده است.

در کتاب اصلی، سیمپسون در ابتدا در مقدمه‌ای به سری کتاب‌هایی که در راتلج به چاپ

می‌رسد و شیوه این کتاب‌ها اشاره می‌کند که همراه با فعالیت‌ها، سؤالات تحقیق، نمونه تحلیل‌ها، تعلیقات و حواشی و مطالب خواندنی کلیدی است. سپس به ساختار کتاب اشاره می‌کند که در چهار فصل - مقدمه، شرح و بسط، تحقیق و پژوهش و قسمت الحاقی - آمده است و مراحل مستقلى را برای مطالعه فراهم می‌کند. سپس در نمای کلی کتاب به معرفی سیمپسون و دیگر آثارش پرداخته است. اما در ترجمه، این پیشگفتار و مباحثی که عنوان شد در قالب «یادداشت مترجم» به طور خیلی مختصر آمده است. همچنین سیمپسون در پیشگفتار به «نحوه استفاده از این کتاب» پرداخته است موضوعی که برای خواننده کتاب بسیار ضروری است.

مثلاً توضیحاتی درباره سازماندهی فصول کتاب، مواردی مثل این که فصل الف شامل مفاهیم اصلی در سبک‌شناسی است. فصل ب شامل شرح و توضیح مطالب گفته شده در فصل الف است. فصل ج فرصتی برای امتحان کردن و کار بست مطالب فراگرفته شده در فصل‌های الف و ب است. فصل د مطالبی است که دانشمندان دیگر در مورد موضوعات مرتبط در طول سال‌های گذشته نوشته‌اند. اما در ترجمه این مطالب نیز حذف شده است. نکته حذف شده مهم دیگر درباره اصل سازماندهی اصلی کتاب است که در هر سیر موضوعی یکی از موضوعات اصلی در سبک‌شناسی مطرح می‌شود و سپس به تدریج در طول بقیه قسمت‌ها آن سیر موضوعی توضیح داده می‌شود.

تقریباً تعداد صفحات در فصول الف، ب و ج ۴۲ تا ۴۵ صفحه است و در ترجمه نیز مترجم به این کمیت ۷۳، ۷۵ و ۷۴ پایبند بوده است. فهرست منابع در ترجمه با فهرست کتاب متفاوت است، اما فهرست واژگان تحت عنوان واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی آمده است. نمودارها و جدول‌ها نیز کاملاً مشخص در ترجمه ذکر شده‌اند.

## ۲. نقد ترجمه کتاب

### ۲-۱. نقد محتوایی

۱- صفحه ۱۲۱ مؤلف، سطر ۲۶:

(a) Analyse the transitivity patterns in the two extracts, looking closely at: The types of *processes* that are present.

ترجمه موجود: با توجه به نکات پژوهشی زیر، الگوهای نظام گذرایی را در دو متن فوق

تحلیل کنید: انواع فرایندهایی که در زمان حال هستند.

### تقدیر بررسی ترجمه کتاب بک‌ثانی ۱۳۷۱۱۱

**ترجمه پیشنهادی:** «الگوهای نظام گذرایی را در دو متن چکیده تحلیل کنید: انواع فرایندهای موجود (مادی، ذهنی، رفتاری و غیره (الف ۶ را ببینید)) را مشخص کنید.» با بررسی متن متوجه می‌شویم که عبارت are present که به صورت «زمان حال هستند» ترجمه شده است نادرست است. عبارت are present در اینجا به معنای «موجود هستند» است.

۲- صفحه ۱۴۳ مؤلف، سطر ۳۲:

Specify which type of associated concept is the vehicle of the metonymy. For example, is the metonymy based on a part-for-whole relationship, a location-for-institution relationship, or on a more contingent 'one-off' connection between the associated concepts?

**ترجمه موجود:** انواع علایق را در مجازهای به کار رفته در متون معلوم کنید. به عنوان مثال مشخص کنید که آیا مجاز با علاقه جزء و کل است یا علاقه حال و محل و یا به ندرت به صورت استفاده از چندین علاقه در کنار هم؟

**ترجمه پیشنهادی:** «مشخص کنید کدام مفهوم مرتبط، بیانگر مجاز است. برای مثال، آیا مجاز بر اساس علاقه جزء به کل، علاقه حال و محل و یا احتمالاً علاقه دیگری میان مفاهیم همنشینی برقرار است؟» با بررسی متن متوجه می‌شویم که بحث در حوزه استعاره شناختی است. بنابراین عبارت the associated concepts که «علاقه» ترجمه شده است نادرست است. عبارت the associated concepts در اینجا به معنای «مفاهیم همنشینی» است.

۳- صفحه ۱۴۳ مؤلف، سطر ۳۴ و ۳۶:

Specify the source domain and the target domain for the metaphor Remember, the same target domain may be mapped through different source domains.

**ترجمه موجود:** قلمرو مرجع و قلمرو مبدأ را برای هر یک از استعاره‌ها معلوم کنید... به یاد داشته باشید که یک قلمرو مرجع می‌تواند برای چندین مستعاره متفاوت به کار گرفته شده باشد.

**ترجمه پیشنهادی:** «حوزه مبدأ و حوزه هدف را برای استعاره مشخص کنید. ... به یاد داشته باشید، ممکن است حوزه هدف یکسانی با حوزه‌های مبدأ متفاوتی نگاشت بشود.» با بررسی دو عبارت domain و target که مترجم تقریباً در تمام کتاب آن را قلمرو مرجع و قلمرو مبدأ ترجمه کرده است یک سؤال مطرح می‌شود که مگر مرجع همان مبدأ نیست. مرجع جایی است که بدان رجوع می‌کنند و با مبدأ که نقطه آغاز است یک مفهوم به ذهن متبادر می‌کند. آیا بهتر نبود مترجم محترم این دو عبارت را به صورت حوزه مبدأ و حوزه هدف یا قلمرو مبدأ و قلمرو

هدف ترجمه می‌کرد. البته در سطر ۳۶ همین صفحه domains مستعاره ترجمه کرده است.

۴- صفحه مؤلف ۱۴۴، سطرهای ۲۰-۲۱ و ۲۴-۲۵:

Related to (i), a key stylistic question that needs to be addressed concerns the extent to which the mapping between source and target is novel. ... Another important question concerns the degree of concretisation, or otherwise, embodied by a metaphor.

**ترجمه موجود:** در ادامه بحث یک، سؤال کلیدی سبک‌شناختی در مورد استعاره آن است که آیا علاقه میان قلمرو مبدأ و قلمرو مرجع تازه و بدیع است یا خیر. ... سؤال مهم دیگر درجه استحکام و قوت ارتباط مفاهیم در استعاره است.

**ترجمه پیشنهادی:** «مرتبط با (۱)، سؤال کلیدی سبک‌شناسی که باید مورد توجه قرار بگیرد، مربوط به میزان جدید بودن نگاشت میان هدف و مبدأ است. سؤال مهم دیگر راجع به میزان ملموس شدن یا از جهت دیگر، تجسم یافتن با استعاره است.» در اینجا دو اصطلاح به نادرستی معنا شده است. یک اصطلاح پرکاربرد mapping است که «علاقه و ارتباط» معنا شده است در صورتی که معادل آن «نگاشت» است و دیگری عبارت embodied by a metaphor است که قوت ارتباط مفاهیم در استعاره ترجمه شده است. در صورتی که معادل دقیق تر آن «تجسم یافته با استعاره» است.

۵- صفحه ۱۵۰ مؤلف، سطر ۲۲:

... We cannot switch on a standardized linguistic analysis machine and stand by while it puts out a definitive breakdown of a text.

**ترجمه موجود:** نمی‌توانیم ساختار و معیارهای تحلیل‌های زبان‌شناختی را کنار بگذاریم و یا تغییر دهیم، صرفاً به این دلیل که در یک متن ممکن است اختلال مشخصی را به وجود آورد و با آن ناهماهنگ باشد.

**ترجمه پیشنهادی:** «ما نمی‌توانیم یک دستگاه استاندارد تحلیل زبانی را روشن کنیم و منتظر بایستیم تا آن دستگاه جزئیات دقیق تجزیه یک متن را بیرون دهد.»

۶- صفحه ۱۷۷ مؤلف، سطر ۱۷:

-Yes, he's looking brighter this morning, isn't he, Nurse Devine?

**ترجمه موجود:** آره، امروز صبح او روشن تر به نظر می‌آد. این طور نیست پرستار دیواین؟

**ترجمه پیشنهادی:** «بله او امروز صبح هوشیارتر به نظر می‌رسد. این طور نیست؟ پرستار دیواین؟». عبارت brighter «روشن تر» ترجمه شده که با توجه به توضیحاتی که در این بخش

### تقدیر بر روی ترجمه کتاب بک شامی ۱۳۹۱/۱۱

آمده، نادرست است. در اینجا معنای واژه *brighter* (معنای متعارف آن یعنی روشن تر) نیست، بلکه چون حال و روز و وضعیت بیمار توصیف شده است بنابراین *brighter* بهتر است «هوشیارتر» ترجمه شود.

۷- صفحه ۱۹۹ مؤلف، سطر ۴:

A performer who satisfies is said in English to have 'acquitted himself.

**ترجمه موجود:** اصطلاحاً در انگلیسی مشهور است که «خود را روسفید کرده است.»

**ترجمه پیشنهادی:** در انگلیسی زمانی که یک اجراکننده از کار خود راضی می شود می گویند «خود را تبرئه کرده است». عبارت *acquitted himself* به صورت «خود را روسفید کرده است» ترجمه شده است. *acquitted oneself* به شیوه یا رفتاری در یک راه مشخص شده یا تعیین شده گفته می شود که ترجمه تحت الفظی این اصطلاح است. در این کتاب واژه *acquitted* معادل روسفید شدن ترجمه شده است. این معادل برای این واژه چندان پر کاربرد نیست. با این حال، تبرئه کردن معادل پر کاربردتر و مناسب تری است.

۸- صفحه ۱۱ مؤلف، سطر ۵ و صفحه ۳۴ مؤلف، سطر ۳۱:

These examples highlight grammar's capacity to embed units of different sizes within one another.

For example, reported speech (see A8), where one character reports the words of another on stage, opens up a further, third layer of embedding.

**ترجمه موجود:** این نمونه ها قابلیت دستور زبان را در لانه گیری واحدهای متفاوت در یکدیگر

روشن می کند. (۱۱) برای مثال در جمله های گزارش شونده، جمله هایی که در آن یک شخصیت سخنان شخص دیگری را روی صحنه گزارش می کند، لایه سوم از پیام مطرح می شود. (۳۴)

**ترجمه پیشنهادی:** «این مثال ها بر ظرفیت دستور در جا دادن واحدهایی در اندازه های

مختلف در درون یکدیگر تأکید دارد.» (۱۱) «به عنوان مثال، گفتار یا نقل قول غیر مستقیم که در آن یک شخصیت، سخن یک شخصیت دیگر را روی صحنه اعلام می کند، لایه سوم از ادغام جملات شکل می گیرد.» (۳۴) در ترجمه این اصطلاح *embed* عدم یکدستی به چشم می خورد. این واژه در عبارت نخست، به جای «جادادن»، «لانه گیری» ترجمه شده است. همچنین در مثالی دیگر *embedding* به جای «ادغام»، «پیام» ترجمه شده است.

۹- صفحه ۴۶ مؤلف، سطر ۷:

Puns and verbal play

۱۴۰// دو فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال هجدهم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

### ترجمه موجود: ایهام‌ها و بازی‌های لفظی

ترجمه پیشنهادی: «جناس و بازی کلامی». در ترجمه Pun در تمام قسمت‌های کتاب از معادل «ایهام» استفاده شده است که به نظر می‌رسد با توجه به بافت کنونی متن و توضیحاتی که در ادامه می‌آید، معنایی را که منظور نظر است نمی‌رساند. با توجه به بافت، «جناس» معنای مورد نظر را می‌رساند.

۱۰- ص ۶۷ مؤلف، سطر ۲۰:

The Windhover

ترجمه پیشنهادی: نام شعر جرارد مانلی هاپکینز The Windhover به دو صورت ترجمه شده است. این عدم یکدستی هم به صورت «بادِ سرگردان» و هم به صورت «پرنده‌ باز» به چشم می‌خورد. به هر حال عنوان این شعر «پرنده‌ باز دل‌یجه (شاهین کوچک)» است.

۱۱- ص ۶۷ مؤلف، سطر ۳۰:

Note the dominance of the voiceless stops /k/ and /t/ in this line, supplemented by voiced stops /b/ and /d/ and the voiceless affricate consonant /tʃ/ in 'parched'.

ترجمه موجود: «به غلبه انسداد بی‌واک صامت‌های k و t در مصراع توجه کنید که به وسیله

انسداد واک‌دار در صامت‌های b و d و صامت سایشی بی‌واک tʃ در parched حمایت می‌شوند.»

ترجمه پیشنهادی: «به غلبه صامت‌های انسدادی بی‌واک /k/ و /t/ در این مصرع توجه کنید

که صامت‌های انسدادی واک‌دار /b/ و /d/ و انسایشی بی‌واک /tʃ/ در 'parched' «تفته و سوخته» آن را تکمیل می‌کند.» در ترجمه voiceless stops «انسداد بی‌واک صامت‌ها» آمده است. همین خطا در ترجمه اصطلاح voiced stops «انسداد واک‌دار» و اصطلاح voiceless affricate consonant «صامت سایشی بی‌واک» تکرار شده است. اما باید توجه داشت که اینجا صحبت از نام آواهاست و مترجم صامت‌های k و t را به جای «صامت‌های انسدادی بی‌واک» به صورت «انسداد بی‌واک صامت‌ها» آورده است. صامت‌های b و d را به جای آواهای صامت انسدادی واک‌دار، به صورت «انسداد واک‌دار» و صامت‌های tʃ را به جای «انسایشی»، به صورت «صامت سایشی بی‌واک» ترجمه کرده است.

۱۲- صفحه ۶۹ مؤلف، سطر ۲۲:

Second, we should never lose sight of the text immediately surrounding the particular feature of style under consideration, the *co-text* in other words.

ترجمه موجود: دوم آنکه همزمان با احاطه شاخصه خاص سبکی تحت مطالعه هرگز نباید

### تقدیر و بررسی ترجمه کتاب *سبک شناسی* ۱۴۱۱

نگاهمان را از متن دور کنیم (به عبارت دیگر هم‌متنی) بلکه باید هم‌زمان به آنها نیز پردازیم. **ترجمه پیشنهادی:** «دوم این که، هرگز نباید ظهور ویژگی خاصی از سبک مورد نظرمان ما را بلافاصله به متن که همان بافت زبانی است، بی‌توجه کند.» واژه co-text به کلمات اطراف یک کلمه یا متن اشاره می‌کند که زمینه را فراهم می‌کند و به تعیین معنا کمک می‌کند. بنابراین واژه «هم‌متنی» هرچند ممکن است به نوعی به همراهی اشاره کند، اما واژه «بافت متنی» یا «بافت زبانی» برای رساندن معنا و مفهومی که گفته شد، مناسب‌تر است.

۱۳- صفحه ۶۹ مؤلف، سطر ۲۵:

In the Hopkins example, for instance, the salient items are preceded by a very different stylistic pattern, where coordination ('Brute beauty and valour and act') suggests a perhaps more languid precursor to the contrasting brisker and more strident delivery invited of the highlighted sequence.

**ترجمه موجود:** در شعر هاپکینز به عنوان نمونه قبل از نکات برجسته آوایی، الگوهای سبکی بسیار متفاوتی ذکر شده بود. جایی که همراهی این کلمات 'Brute beauty and valour and act' زیبایی شهبانی / و دلیری / و حرکت در تقابل با شتاب و بیشتر تند و تیزی حاصل از زنجیره کلامی مشخص شده شاید پیش در آمدی بی‌رمق و رخوتناک به دست دهد.

**ترجمه پیشنهادی:** «برای نمونه در مثال هاپکینز، موارد برجسته و مهم قبل از یک الگوی سبکی خیلی متفاوت قرار گرفته‌اند که در آن هم‌پایگی («زیبایی جسمانی و شجاعت و عمل کردن») حاکی از وجود مقدمه‌ای احتمالاً سست‌تر در مقایسه با شیوه بیان تند و تیزتر متضاد با آن در زنجیره مشخص شده است.» در این قسمت، واژه coordination به «همراهی» ترجمه شده و در صفحه بعد، متضاد این واژه uncoordinated «ناهمگون» آمده است. ضمن عدم یکنواختی، در واقع واژه «همراهی»، معنای همگون را نمی‌رساند و در صفحه بعد معادل درست جایگزین می‌شود.

۱۴- صفحه ۷۰ مؤلف، سطر ۲۵:

An important feature of the narrative schema set out in A5 was its acknowledgment that narrative may be encoded in a variety of textual media, which include but are not restricted to film, cartoon, ballad, comic strip, prose fiction and oral vernacular.

**ترجمه موجود:** «شاخص مهمی که در طرح‌واره روایی در بخش الف ۵ توضیح داده شد، در واقع اعتراف به این امر بود که روایت ممکن است در انواع رسانه‌های متنی استفاده شود. روایت‌ها می‌توانند فیلم، کارتون، شعر، متون طنز، داستان‌های مثنوی یا ادبیات شفاهی محلی به کار روند و حتی در این‌ها هم محدود شوند.»

**ترجمه پیشنهادی:** «تأیید این نکته بود که روایت ممکن است در انواع ابزار متنی رمزگذاری شود که این ابزار فیلم، کارتون، ترانه، داستان مصور، ادبیات داستانی و زبان شفاهی را در برمی گیرد، اما محدود به این‌ها نیست.» با توجه به این که comic strip تکرار سریالی یک سری نقاشی، کارتون برای شکل دادن به یک روایت است تا طنزی را نشان دهد، بنابراین ترجمه آن به صورت «متون طنز» نمی‌تواند خیلی دقیق باشد. بنابراین comic strip به معنای همان «داستان مصور» است. در همین قسمت، واژه ballad به صورت «شعر» ترجمه شده است. روشن نیست که چرا مترجم به جای استفاده از «ترانه یا چکامه» از «شعر» که معادل poem است استفاده کرده است. به هر حال poem کلیت شعر را در برمی گیرد، اما ballad یکی از انواع و اقسام گونه‌های شعر است.

۱۵- صفحه ۸۷ مؤلف، سطر ۲۵:

Burton investigates a number of play texts using a variety of different models in conversation analysis and speech act theory

**ترجمه موجود:** بورتون با استفاده از مدل‌های متنوع و متفاوت تحلیل‌های محاوره و تئوری

عملیات زبان در مورد شماری از متون نمایشی به مطالعه و بررسی می‌پردازد.

**ترجمه پیشنهادی:** «بورتون تعدادی از متن‌های نمایشی را با استفاده از انواعی از الگوهای

مختلف تحلیل گفتگو یا مکالمه و نظریه کنش‌گفتاری بررسی کرده است.» با بررسی متن بالا

درمی‌یابیم که عبارت speech act به «عملیات زبان» ترجمه شده است. بهتر بود مترجم به معنای

مصطلح این عبارت در لغتنامه توجه می‌کرد. واژه speech act به صورت «کنش‌گفتاری» بسیار

مصطلح و رایج است.

۱۶- صفحه ۹۰ مؤلف، سطر ۱۵:

He even gives an example from Stephen Hawking's *A Brief History of Time* as an illustration of 'extreme schema disruption' in which the remarkable suggestion that time can go backwards is expressed in lucid and unremarkable prose.

**ترجمه موجود:** او حتی مثالی از کتاب تاریخچه زمان اثر استیفن هاوکنگ برای نمایش

طرح‌واره اختلال نقل می‌کند که در آن نکته مهم ذکر توانایی عقب‌گرد زمان در نثری فصیح و

روان است.

**ترجمه پیشنهادی:** «او حتی مثالی از کتاب تاریخچه مختصری از زمان نوشته استیفان

هاوکنگ را به عنوان مثالی از «به هم ریختگی شدید طرح‌واره» ارائه می‌دهد که نظر قابل توجه

### تقدیر بر روی ترجمه کتاب سبک‌شناسی ۱۴۳۱

در آن مبنی بر این که زمان می‌تواند به عقب برگردد را با نثر روشن، قابل فهم و معمولی بیان می‌کند. در اینجا عبارت extreme schema disruption به صورت «طرح‌واره اختلال» ترجمه شده است که معادل دقیقی نیست زیرا «طرح‌واره اختلال» معادل disruption schema می‌تواند باشد و مترجم محترم به معنای تحت‌اللفظی عبارت extreme schema disruption توجهی نداشته است و آن را به صورت صفت و موصوف ترجمه کرده است. به هر حال ترجمه دقیق این عبارت «به هم ریختگی شدید طرح‌واره» است.

۱۷- صفحه ۹۳ مؤلف، سطر ۹:

A good illustration of this principle of 'metaphoricity' is provided in the following slip of the tongue, said by a journalist of an overworked sports personality:

**ترجمه موجود:** یک توضیح مناسب از این اصل استعاره‌سازی می‌تواند در لغزش زبانی زیر

که توسط یک روزنامه‌نگار نوشته شده است، برای ما مفید باشد.

**ترجمه پیشنهادی:** «یک مثال خوب از این اصل «استعاره‌مندی» در لغزش زبانی زیر می‌بینیم

که یک روزنامه‌نگار با یک شخصیت ورزشی پرکار بیان کرده است.» در اینجا برای واژه

metaphoricity از معادل «استعاره‌سازی» استفاده شده است. واژه metaphoricity به ویژگی‌های

مرتبط با استعاره اشاره می‌کند و تمایز مفهومی واضحی میان «استعاره‌سازی» با «استعاره‌مندی»

وجود دارد.

۱۸- صفحه ۲۱۵ مؤلف، سطر ۹:

This is metaphor as interanimation, in which the process of 'metaphoring' encourages us to see the familiar world in a new light as a synthesis of base and target mapping.

**ترجمه موجود:** این استعاره است که شکلی را ایجاد می‌کند که اجزا به یکدیگر زندگی

می‌بخشند و در فرایند استعاره‌شدن به ما جسارت می‌بخشد تا جهان را آشنا تر ببینیم و در

روشنایی جدیدی ترکیب ساده‌ای از نگاهت هدف آن را مشاهده کنیم.

**ترجمه پیشنهادی:** «این یعنی ترغیب متقابل استعاره که در آن فرایند «استعاره‌مندی» ما را به

دیدن دنیای آشنای خود به شیوه جدید نگاهت هدف و مبدأ تشویق می‌کند.» با تطبیق متن و

ترجمه می‌توان دریافت که عبارت metaphoring به صورت «استعاره‌شدن» ترجمه شده است

که نادرست است. عبارت metaphoring به معنای «استعاره‌مندی» است و تمایز مفهومی

واضحی میان «استعاره‌شدن» و «استعاره‌مندی» وجود دارد.

... such as the alliterative style of the Anglo-Saxon poem, the sonnet form of later periods in literary history, or, later again, forms like the novel and the novella.

**ترجمه موجود:** شاخصه‌هایی مانند هم‌حروفی سبکی در شعر آنگلوساکسون شکل غزل در

دوره‌های متأخر تاریخ ادبیات یا فرم‌های جدیدی از رمان و سایر انواع ادبیات داستانی مثل ناول و ناولا.

**ترجمه پیشنهادی:** «... مانند سبک دارای تجانس آوایی صامت‌های آغازین در شعر

آنگلوساکسون، فرم غزل دوره‌های بعدی در تاریخ ادبیات، یا اشکالی مانند رمان و رمانچه

هستند». در اینجا دو واژه novel و novella به صورت «ناول» و «ناولا» آمده و ترجمه نشده

است. معادل واژه novel «رمان» و معادل واژه novella «رمانچه یا رمان کوتاه» است.

In fact, to set down stylistic parameters around a form of discourse is in some respect to codify it as a *register*, thereby making it a language variety that regularly co-occurs with a particular situation (see C2).

**ترجمه موجود:** درحقیقت، تعیین ضوابط سبک‌شناختی در دامنه یک شکل گفتمانی، به

نوعی به معنای «ثبت» آن شکل گفتمانی است و آن را تبدیل به گونه‌ای زبانی می‌کند که

به صورت منظم در موقعیت خاص خود اتفاق می‌افتد.

**ترجمه پیشنهادی:** «در واقع، تعیین کردن ویژگی‌های سبکی پیرامون شکلی از گفتمان، از بعضی

جهات تدوین کردن آن به صورت سیاق است و بدین وسیله تبدیل کردن آن به یک شکل زبان

است که اغلب همزمان با یک موقعیت خاص رخ می‌دهد.» از واژه register دو معنای «ثبت» و

«سیاق» برداشت می‌شود. اما با توجه به بافت متنی معادل «سیاق» مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

In this episode, two couples, Mr and Mrs Smith and Mr and Mrs Martin, engage in a bizarre story telling round ...

**ترجمه موجود:** در این قسمت، دو زوج خانم و آقای مارتین مشغول شنیدن داستان عجیب

و غریبی هستند.

**ترجمه پیشنهادی:** «در این قسمت، دو زوج به نام‌های آقا و خانم اسمیت و آقا و خانم

مارتن، در یک دور قصه‌گویی عجیب شرکت کردند». عبارت story telling round به صورت

«مشغول شنیدن داستان» ترجمه شده است که نادرست است. عبارت story telling round در

اینجا به معنای «دور قصه‌گویی» است.

۲۲- صفحه ۱۱۹ مؤلف، سطر ۳۰:

The transitivity profile embodied by a text is a generally useful indicator of character in prose fiction.

ترجمه موجود: پروفایل نظام گذرایی که به وسیله یک متن پدید آید عموماً نشانگر مفیدی از شخصیت در داستان‌های منثور خواهد بود.

ترجمه پیشنهادی: «ویژگی‌های گذرایی که به وسیله یک متن تجسم یافته، شاخص کلی مفیدی از شخصیت در ادبیات داستانی است.» نه تنها در این قسمت بلکه در چندین جا (صص ۱۱۸، ۱۲۰) واژه profile ترجمه نشده است. بهتر بود این واژه به صورت «ویژگی» ترجمه می‌شد.

۲۳- صفحه ۱۲۴ مؤلف، سطر ۳۴:

Let us adopt the term *positive shading* for this type of modal pattern.

ترجمه موجود: بگذارید از اصطلاح «توصیف اثباتی» برای این نوع الگوی وجهی استفاده کنیم.

ترجمه پیشنهادی: «بیاید اصطلاح زمینه مثبت را برای این نوع از الگوی وجه‌نما اتخاذ کنیم.»

To accommodate this sort of modal framework, where the epistemic system is heightened as the narrator struggles to make sense of the world, let us reserve the term *negative shading*.

ترجمه موجود: برای تکمیل این نوع از چهارچوب وجه‌نمایی که نظام معرفت‌شناختی با تلاش راوی در معنا و احساس بخشیدن به جهان به اوج می‌رسد، بیاید دوباره اصطلاح «توصیف انکاری» را به کار بگیریم.

ترجمه پیشنهادی: «برای موافقت کردن با این نوع از چارچوب وجه‌نما که سیستم شناختی در جهت تلاش‌های راوی در ملموس کردن دنیای پیرامونش تشدید می‌کند، بهتر است اصطلاح زمینه منفی را استفاده کنیم.»

Let us refer to this type of modal framework as *neutral shading*.

ترجمه موجود: این نوع از نظام وجه‌نمایی را «توصیف بی‌طرفانه» می‌نامیم.

ترجمه پیشنهادی: «بهتر است به این نوع از چارچوب وجه‌نما به عنوان زمینه خنثی اشاره کنیم.»

عبارت *positive shading* به صورت «توصیف اثباتی» و «توصیف مثبت» ترجمه شده است و این در حالی است که در تطبیق متن متوجه می‌شویم مبحث درباره زمینه است. بنابراین استفاده از «توصیف اثباتی» هر چند معنای تحت‌اللفظی واژه است، اما بار معنایی «زمینه مثبت» را نمی‌رساند. صورت منفی همین عبارت *negative shading* در (صفحه ۱۲۵ مؤلف، سطر ۲۰) و در صفحات بعدی به تناوب به صورت «توصیف انکاری» ترجمه شده است. همچنین عبارت

۱۴۶ // فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Neutral Shading نیز در (ص ۲۱۶، س ۲۰؛ ص ۲۱۸، س ۱۶؛ ص ۲۲۱، س ۲۱؛ ص ۲۲۲، س ۸) به جای زمینه خنثی، توصیف بی طرفانه ترجمه شده است.

۲۴- صفحه ۱۳۵ مؤلف، سطر ۱۹:

There was a general sense that the rhythmical texture displayed by the narrative analysis echoed the very movements of the old man on the sea and.

**ترجمه موجود:** نظر عمومی بر آن بود که ضرباهنگ متنی نمودار شده در تحلیل روایت، نشان دهنده حرکات و رفتارهای پیرمرد در دریا هستند.

**ترجمه پیشنهادی:** «حس آشنایی به چشم می خورد در این که بیان روایی متن موسیقایی، حرکات پیرمرد روی دریا را بازتاب می دهد.» در اینجا واژه rhythmical در کنار texture جابه جا معنی شده است. یعنی واژه texture که اسم است به صورت صفت و rhythmical صفت است به صورت اسم ترجمه شده است. براساس معنای متعارف این ترکیب rhythmical texture باید به صورت «متن موسیقایی» ترجمه می شد.

۲۵- صفحه ۱۶۳ مؤلف، سطر ۳۹:

... some key structural features of English syntax such as nominal group organisation, participles, verbal relations, etc.

**ترجمه موجود:** برخی از شاخص های ساختاری نحو انگلیسی مانند ارگانیزم گروه اسمی، وجه وصفی و اسنادهای فعلی آموزش داده شود.

**ترجمه پیشنهادی:** «برخی از ویژگی های عمده ساختاری نحو انگلیسی، مانند ساختار گروه اسمی، وجوه وصفی و وابسته های فعلی استفاده کرد.» با توجه به عبارت بالا که در صفحه ۱۶۳ به کار رفته واژه organization به «ارگانیزم» ترجمه شده است. اما در اینجا «ساختار» معادل مناسب تری به نظر می رسد.

۲۶- صفحه ۱۶۴ مؤلف، سطر ۲۹:

and the possibilities of metaphoric extension can also be investigated through the uses to which items...

**ترجمه موجود:** امکان استفاده استعاری از واژگان به طریق بررسی کاربرد آنها در عبارات قابل تحلیل است...

**ترجمه پیشنهادی:** «امکانات گستره استعاری را هم از طریق کاربردهایی می توان بررسی کرد.» طبق آنچه در فرهنگ آمده واژه extension به معانی گستره، مصداق، گسترش و امتداد

### تقدیر بر روی ترجمه کتاب سبک‌شناسی ۱۴۷۱۱۱

متداول است. در واقع، واژه extension یک دامنه‌ای را برای مخاطب ترسیم می‌کند. در حالی که استفاده متضمن معنای کاربرد و استعمال است. به نظر می‌رسد انتخاب معادلی نظیر «گستره استعاری» برای metaphoric extension دقیق‌تر است.

۲۷- صفحه ۱۸۲ مؤلف، سطر ۳:

The orthographic indicators of a Scots dialect are 'willnae' for 'won't', 'shite' for 'shit' and 'aw' for 'all'.

**ترجمه موجود:** نشانگرهای املائی لهجه اسکاتلندی از این قبیل اند: 'willnae' به جای 'won't'، 'shite' به جای 'shit'، 'aw' به جای 'all'.

**ترجمه پیشنهادی:** «شاخص‌های خط‌شناسی گویش اسکاتلندی، «willnae» به جای «won't»، «shite» به جای «shit» و «aw» به جای «all» هستند.» برای واژه orthographic از معادل «نشانگر املائی» استفاده شده است. در انگلیسی بین spelling marker و orthographic تفاوت مفهومی واضحی هست. بنابراین اولی به معنای نشانگر املائی یعنی وسیله‌ای که از آن برای املا استفاده می‌شود و دومی به معنای خط‌شناسی. بنابراین انتخاب «خط‌شناسی» معادل مناسب‌تری است.

۲۸- صفحه ۱۸۶ مؤلف، سطر ۵:

One further note of contextualisation is necessary on the reading that follows.

**ترجمه موجود:** یک تذکر مربوط به متن و بافت متنی برای ادامه مطالعه لازم است.

**ترجمه پیشنهادی:** «نکته دیگری از بافتمندسازی برای مطالعه آنچه که دنبال می‌کنید، ضروری است.» عبارت contextualization به جای «بافتمندسازی»، به صورت «بافت متنی» ترجمه شده است. این در حالی است که «بافت متنی» معادل text texture است. همچنین در جای دیگری عبارت The absence of full contextualization (ص ۳۱۵، س ۸) به جای «فقدان بافتمندسازی کامل» به صورت «فقدان بافت موقعیتی» ترجمه شده است.

۲۹- صفحه ۱۹۳ مؤلف، سطر ۳۴:

Points 1-4 are, I take it, uncontentious; points 5-8 are offered as a programme for radical stylistics.

**ترجمه موجود:** نکات ۱ تا ۴ بحث خاصی به وجود نمی‌آورند؛ نکات ۵ تا ۸ به عنوان یک برنامه سبک‌شناختی تندرو تقدیم شده‌اند.

**ترجمه پیشنهادی:** «اصل ۱ تا ۴ بحث برانگیز نیست و اصل ۵ تا ۸ به عنوان برنامه‌ای برای

۱۴۸۸// دو فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

سبک‌شناسی بنیادی مناسب است. واژه radical در این بافت به جای «بنیادی»، «ریشه‌ای» و اصلی به اشتباه به صورت «تندرو» ترجمه شده است.

۳۰- صفحه ۱۹۴ مؤلف، سطر ۳۴:

Since Burton's study, certain critical theorists have suggested that feminism has given way to a so-called 'post-feminist' era.

**ترجمه موجود:** مطالعات بورتون نشان می‌دهد که نظریه‌های انتقادی دقیق معتقدند فمینیسم

راهی به سوی پسافمینیسم باز کرده است.

**ترجمه پیشنهادی:** «از زمان مطالعه بورتون، برخی از نظریه پردازان انتقادی اظهار داشتند که

فمینیسم جای خود را به دوره به اصطلاح «پسافمینیستی» داده است.» شکل مفرد واژه Theorists

به صورت theorist است. در انگلیسی تعریف این واژه به این صورت است: a person

concerned with the theoretical aspects of a subject; a theoretician.

به جنبه‌های نظری یک موضوع توجه دارد. یک نظریه پرداز. اما در اینجا به اشتباه به صورت

نظریه‌ها ترجمه شده است.

۳۱- صفحه ۲۰۱ مؤلف، سطر ۲:

The role is not part of the rhetoric of fiction but of the rhetoric of Audience-ship which is itself defined in relation to the rhetoric of conversation.

**ترجمه موجود:** این نقش، به هیچ روی قسمتی از بلاغت و زیبایی داستان نیست. بلکه

بلاغت و زیبایی شنونده خوب بودن است که آن نیز به نوبه خود در حوزه بلاغت مکالمات

دوطرفه تعریف می‌شود.

**ترجمه پیشنهادی:** «این نقش جزئی از علم بلاغت داستان نیست، بلکه بخشی از علم بلاغت

مخاطب بودن است که خود نیز در ارتباط با علم بلاغت گفتگو است.» در اینجا مترجم به

سادگی و با به کارگیری ساختارهای مشابه در ترجمه می‌توانست Rhetoric of conversation را

به این صورت ترجمه کند: «بلاغت گفتگو». اما چون ماهیت این عبارت مشخص است نباید

به صورت «مکالمات دوطرفه» ترجمه می‌شد که ترجمه تحت‌اللفظی عبارت دیگری است.

۳۲- صفحه ۲۰۱ مؤلف، سطر ۲۴:

Following from this, to what extent has modern interactive media affected the concept of the Audience?

**ترجمه موجود:** و در ادامه تا چه حدی رسانه‌های مدرن بر مفهوم شنونده ارادی تأثیر

گذاشته‌اند؟

## تقدیر و بررسی ترجمه کتاب *شکلیات* ۱۴۹

**ترجمه پیشنهادی:** «در ادامه همین بحث، تا چه اندازه‌ای رسانه‌های تعاملی مدرن، تعریف مخاطب را تحت تأثیر قرار داده‌اند؟» اصطلاح (ص ۳۳۹، س ۲) به جای رسانه‌های تعاملی مدرن، رسانه‌های مدرن ترجمه شده است. در اینجا هر چند عبارت Modern interactive media به درستی معنا شده است اما جاافتادگی رخ داده است و واژه interactive به معنای «تعاملی» ترجمه نشده است.

۳۳- صفحه ۲۰۱ مؤلف، سطر ۳۴:

... , it is Dickinson's special use of the '-self anaphor' which is the focus of Freeman's study.

**ترجمه موجود:** استفاده ویژه دیکنسون از «ارجاع self» نقطه تمرکز مطالعه و تحقیق فریمن است.

**ترجمه پیشنهادی:** «استفاده ویژه دیکنسون از «خودارجاعی» است که تمرکز اصلی مطالعه فریمن است.» مترجم نه تنها در اینجا، بلکه در قسمت‌های مختلف این بخش به تناوب اصطلاح self anaphore را به صورت «ارجاع self» ترجمه کرده است. اما ترجمه تحت‌اللفظی عبارت «خودارجاعی» است.

۳۴- صفحه ۲۰۴ مؤلف، سطر ۱۷:

However, in the dream sentence, the -self anaphor rule is blocked by the cross-space identity connectors that in the dream space link 'I' to Bardot and 'me' to the speaker.

**ترجمه موجود:** به هر حال در جمله بیان رؤیا، قانون ارجاع self با ارتباط ماهوی فضاهای متداخل که در فضای رؤیا وجود داشته است، رعایت نشد.

**ترجمه پیشنهادی:** «با این حال، در جمله مک کالی، قاعده خود-ارجاعی توسط رابط‌های شخصیتی متقاطع که در فضای ذهنی «من» را به «باردوت» و «خود» را به «سخنگو» اتصال می‌دهند، مسدود شده است.» در این بخش با واژه mental برخورد داریم که به صورت «رؤیا» ترجمه شده است. این اشتباه شاید به این دلیل رخ داده است که واژه dream به معنای «آرزو» در این قسمت پرتکرار بوده است. بسیار واضح است که معادل واژه mental «ذهنی» است.

۳۵- صفحه ۲۱۳، سطر ۱۳:

There is a consistency here in the mathematical logic that the two sides of an equational expression can be reversed without any change in meaning or value.

**ترجمه موجود:** در اینجا نوعی منطق ریاضی حاکم است که دو سوی یک بیان مساوی می‌تواند بدون هیچ‌گونه تغییری در معنا یا ارزش به صوت معکوس بیان شوند.

**ترجمه پیشنهادی:** «در اینجا، نوعی انسجام و یکنواختی در منطق ریاضی دیده می‌شود که بیان می‌دارد دو طرف معادله را می‌توان بدون تغییر در معنی یا مقدار جایگزین کرد.» برای عبارت the two sides of an equational از معادل «دو سوی یک بیان مساوی» استفاده شده است. در انگلیسی بین expression و equational تفاوت مفهومی واضحی وجود دارد. اولی به معنای «بیان» و دومی به معنای «معادله» است. بهتر بود مترجم برای این عبارت معادل «دو طرف معادله» را جایگزین می‌کرد.

۳۶- صفحه ۲۱۳ مؤلف، سطر ۳۳:

This is when a noun phrase invokes a referent but the utterance (usually through the predicate or a negation particle) immediately revokes or cancels the referent from active memory.

**ترجمه موجود:** این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که یک عبارت اسمی، ارجاعی را به کار می‌بندد، اما اگر گزاره (به‌ویژه با استفاده از اسناد با یک علامت و ادات نفی) بلافاصله ارجاع را از حافظه فعال پاک می‌کند و باطل می‌نماید.

**ترجمه پیشنهادی:** «یعنی زمانی که یک گروه اسمی مرجعی را فرامی‌خواند، اما پاره‌گفتار (معمولاً از طریق گزاره یا ادات منفی) سریعاً مرجع را از حافظه فعال ناپدید و یا حذف می‌کند.» واژه referent در زبان انگلیسی به معنای «مرجع، مصداق، مدلول، مورد اشاره» است. بنابراین ترجمه این واژه به صورت «ارجاع» چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

۳۷- صفحه ۲۱۴، سطر ۱۰:

The mapping itself, in other words, can be *thematized*, ...

**ترجمه موجود:** به عبارت دیگر، خود نگاشت به‌خودی‌خود در این بافت لفظی و ادبی می‌تواند موضوع و درون‌مایه‌ای شده باشد.

**ترجمه پیشنهادی:** «به عبارت دیگر، خود این نگاشت در این بافت ادبی می‌تواند مضمون‌سازی شود.» در این متن واژه thematized معادل «مضمون‌سازی» است. طبق لغتنامه کمبریج این واژه به لحاظ دستوری فعل است و برای بیان یک بیان یک ایده یا موضوع خاص به کار می‌رود. پس این واژه متضمن فرایندی است و تفاوت مفهومی واضحی میان «موضوع و درون‌مایه‌ای» و «مضمون‌سازی» وجود دارد.

۳۸- صفحه ۲۱۵ مؤلف، سطر ۱:

Verbal art in surrealism is founded on isomorphism, ...

### تقدیر و بررسی ترجمه کتاب بک شامی ۱۵۱۱۱۱

ترجمه موجود: هنر کلامی در سورئالیسم به نوعی در تک‌سویی و تک‌جهتی خود را پیدا می‌کند....

ترجمه پیشنهادی: «هنر کلامی در سورئالیسم براساس هم‌شکلی یا هم‌ریختی است.» در این متن واژه isomorphism معادل «هم‌ریختی» است. واژه isomorphic به معنای «هم‌ریخت، هم‌شکل» است و مسلماً معادل «تک‌سویی و تک‌جهتی» معنی موردنظر را نمی‌رساند.  
۳۹- صفحه ۲۱۵ مؤلف، سطر ۲۸:

They are built up by accumulated experience and are constantly being revised and altered to a greater or lesser degree.

ترجمه موجود: آن‌ها نتیجه انباشت تجربه‌های متعددند و دائم در حال بازبینی و بازسازی مجدد که در این سیر گاهی به درجات مختلف کم و زیاد می‌شوند.

ترجمه پیشنهادی: «آن‌ها با تجربه انباشته ساخته شده‌اند و پیوسته به صورت کم و بیش در حال تغییر هستند.» در این متن عبارت accumulated experience معادل «انباشت تجربه» عنوان شده است. این در حالی است که واژه accumulated به لحاظ دستوری نقش صفت دارد و به معنای «انباشته، متراکم، تجمیع یافته، جمع شده» است و مسلماً معادل «انباشت تجربه» معنی موردنظر را نمی‌رساند و نمی‌تواند معادل مناسبی برای ترکیب فوق باشد. به عبارتی «انباشت تجربه» معادل accumulation of experience است.

۴۰- صفحه ۲۱۹ مؤلف، سطر ۲۸:

The intention of this light-hearted exercise is certainly not to stage a satirical attack on a sage and serious poet.

ترجمه موجود: هدف از این تمرین، دقیقاً این نیست که حمله طنزآمیزی به یک شاعر فرزانه و عاقل بشود.

ترجمه پیشنهادی: «منظور از این کار سرگرم‌کننده این نیست که دقیقاً حمله‌ای هجوآمیز به یک شاعر معقول و جدی بشود.» در این متن واژه satirical معادل «طنزآمیز» آمده است. این در حالی است که واژه satirical به لحاظ معنایی دلالت بر طعنه، انتقاد و تمسخر دیگران دارد. در تعریف این واژه در لغتنامه کمبریج آمده است: «انتقاد از افراد یا ایده‌ها به شیوه‌ای طنزآمیز، به‌ویژه برای بیان یک نکته سیاسی». بنابراین با این تعاریف معادل «طنزآمیز» معنای موردنظر را نمی‌رساند و در واقع، می‌توان گفت در این واژه وجه انتقاد برجسته‌تر است و مسلماً معادل

۱۵۲// دو فصلنامه مطالعات تئودرایی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

«هجو آمیز» معادل مناسب تری است.

۴۱- صفحه ۲۱۹ مؤلف، سطر ۳۶:

Here also are the characteristic syntactic patterns: the interrupted constructions.

**ترجمه موجود:** در اینجا الگوهای نحوی شاخص هاپکینز هم به چشم می خورد:

ساختار شکنی ها..

**ترجمه پیشنهادی:** «اینجا، همچنین الگوهای نحوی شاخصی وجود دارد: ساخت های

گسسته، ...» در این متن عبارت interrupted constructions معادل «ساختار شکنی ها» به کار رفته

است. بسیار واضح است که معنای عبارت interrupted constructions باید به صورت

«ساخت های گسسته» عنوان می شد و «ساختار شکنی ها» معادل درستی نمی تواند باشد.

۴۲- صفحه ۲۱۹ مؤلف، سطر ۴۱:

The vocabulary, too, clearly purports to represent Hopkins' lexical preoccupations – the abundant compounds and phrasal adjectives, the deviant semantics ...

**ترجمه موجود:** واژه های به کار رفته در این شعر نیز به وضوح نظام واژگانی هاپکینز را

بازنمایی می کنند- ترکیب های فراوان، گروه های وصفی، انحراف در قواعد معنایی و ... .

**ترجمه پیشنهادی:** «دایره لغات نیز آشکارا می خواهد که اشتغال ذهنی فرهنگ واژگان هاپکینز

را برساند - ترکیبات فراوان و گروه های صفتی، معانی انحرافی (مانند «آواز چرخش»، «همه با

صدای بگ پایپ») ...» در این متن عبارت deviant semantics معادل «انحراف در قواعد معنایی»

عنوان شده است. این در حالی است که واژه deviant به لحاظ دستوری نقش صفت دارد و مسلماً

ترکیب ساختار موصوف و صفتی عبارت deviant semantics معادل «معانی انحرافی» است.

۴۳- صفحه ۲۲۰ مؤلف، سطر ۳:

Anyone interested enough to make the test might possibly mark in passing some apparently direct verbal borrowings from Hopkins' poems.

**ترجمه موجود:** هر کسی که به ارزیابی اثر و آزمون آن در مقابل متن اصلی علاقه داشته

باشد می تواند بسیاری از لغات قرض گرفته از اشعار هاپکینز را علامت گذاری کند...

**ترجمه پیشنهادی:** «هر کس به اندازه کافی علاقه داشته باشد که آزمایش کند، احتمالاً به

برخی اقتباس های کلامی مستقیم از شعرهای هاپکینز، ... برخورد کند.» در این متن نیز عبارت

verbal borrowing معادل «لغات قرض گرفته» ترجمه شده است. این در حالی است که اگر اینطور بود باید borrowed words می‌آمد. بنابراین معادل «اقتباس‌های کلامی» درست است.

## ۲-۲. نقد زبانی

در نقد زبانی به نشانه‌های سجاوندی یا ویرایشی، کاربرد فعل اشتباه، حرف اضافه و ضمیر، دو گونه‌نویسی و ضبط صورت غیررایج اعلام اشاره می‌شود. ترجمه حاضر، به لحاظ ویرایشی و رعایت اصول نگارش دارای خطاهای متعددی است و ضعیف ارزیابی می‌شود. نکات متعدد ویرایشی همچون عدم رعایت نیم‌فاصله، استعمال برخی واژه‌های لاتین در متن، خطاهای املائی و برخی خطاهای مربوط به ارجاعات درون‌متنی به تناوب تکرار شده است.

## - عدم یکنواختی در کاربرد واژه، عبارت و اصطلاح

۱- صفحه ۴۵، سطر ۸

در این قسمت پس از بررسی واژه language of humour مشخص شد این واژه در کتاب به دو صورت ترجمه شده است. این واژه هم به صورت «زبان طنز» و هم به صورت «زبان فکاهه» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۲- صفحه ۶۷، سطر ۲۰:

در این قسمت پس از بررسی واژه Pylons مشخص شد این واژه در کتاب به چند صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «برج‌ها»، «دکل‌ها» و صورت ترجمه‌نشده آن یعنی «پایلون» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۳- صفحه ۱۳۳، سطر ۳:

در این قسمت پس از بررسی واژه THOUGHT مشخص شد این واژه در کتاب به چند صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «اندیشه» و «تفکر» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۴- صفحه ۱۶۷ مؤلف، سطور ۴، ۱۰، ۱۳:

در این قسمت پس از بررسی واژه Nature مشخص شد این واژه در کتاب به چند صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «طبیعت»، «ماهیت» و «سرشت» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۵- صفحه ۱۶۷ مؤلف، سطر ۱۲:

در این قسمت پس از بررسی واژه correlation مشخص شد این واژه در کتاب به چند

۱۱۵۴ // دو فصلنامه مطالعات تئودابی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «هم آیند»، «ماهیت» و «تناظر و وابستگی» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۶- صفحه ۱۷۶ مؤلف، سطر ۷:

در این قسمت پس از بررسی واژه Marabou stork nightmares مشخص شد این واژه در کتاب به چند صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «کابوس‌های لک‌لک آفریقایی»، «شاه لک‌لک آفریقایی» و «کابوس‌های شاه‌لک‌لک مارابو» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۷- صفحه ۱۹۷ مؤلف، سطر ۱۲:

در این قسمت پس از بررسی واژه situation speech مشخص شد این واژه در کتاب به دو صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «موقعیت کلامی» و «موقعیت گفتاری» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۸- صفحه ۲۰۲ مؤلف، سطر ۲۵:

در این قسمت پس از بررسی واژه conceptual integration مشخص شد این واژه در کتاب به دو صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «هم‌بستگی و پیوستگی مفهومی» و «هم‌بستگی معنایی» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

۹- صفحه ۲۱۲ مؤلف، سطر ۳۱:

در این قسمت پس از بررسی واژه the TIME IS SPACE metaphor مشخص شد این واژه در کتاب به دو صورت ترجمه شده است. این واژه به صورت‌های «استعاره زمان، مکان است.» و «استعاره زمان، فضا است.» آمده است که نشان می‌دهد وحدت‌رویه در معادل‌گزینی رعایت نشده است.

## - ارجاع نادرست ضمیر

۱- صفحه ۱۵۳، سطر ۲۳:

Coleridge used it to distinguish verse from prose.

ترجمه موجود: کالریج از این شعار برای تشخیص شعر از نثر استفاده کرد.

ترجمه پیشنهادی: در اینجا ارجاع ضمیر it به «شعار» اشتباه است. باید توجه داشت که در

اینجا ضمیر it به عبارت «بهترین کلمات به بهترین نظم» بازمی‌گردد.

۲- صفحه ۱۶۷ مؤلف، سطر ۱۵:

how and why does it differ from other discourse types?

ترجمه موجود: چرا و چگونه این نظام با دیگر انواع گفتمان متفاوت می‌شود؟

ترجمه پیشنهادی: در اینجا ارجاع ضمیر it به «نظام» اشتباه است. باید توجه داشت که در

اینجا ضمیر it به عبارت «متن ادبی» بازمی‌گردد.

### - عدم ترجمه

با تطبیق متن و ترجمه به موارد زیادی برمی‌خوریم که اصطلاحات، اشعار، جداول، جملات، کلمات، عبارات، ارجاعات، شواهد متنی، نام اشخاص و نام کتاب‌ها ترجمه نشده است. در اینجا به چند مورد اشاره شده و در پایان این قسمت نیز فهرست وار آدرس آن‌ها در کتاب ترجمه آمده است.

- صفحه ۱۵۳، سطر ۲۳:

The issue of the identity of the vehicle mentioned in (3) is even more problematic.

ترجمه موجود: تشخیص نوع وسیله نقلیه که در صفحه سوم به آن اشاره می‌شود، همچنان

از نکات پروبلماتیک این رمان شمرده می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: با توجه به متن واژه problematic ترجمه نشده است. واژه problematic

در فارسی به معنای «مشکل‌ساز» است.

نوع خطا	صفحه و سطر	صورت موجود	صورت پیشنهادی
عدم ترجمه	ص ۳۴۳، س ۳	Prototypical، پروتوتیپیکال	نمونه نخستین
عدم ترجمه	ص ۳۶۰، س ۲۷	Prototype، پروتوتیپ	کهن‌الگو
عدم ترجمه	ص ۳۷۰، س ۲۰	Accent، آکسون	لهجه یا تکیه
عدم ترجمه	ص ۳۶۸، س ۲۶	Parentheses، پرانتز	جمله‌های معترضه
عدم ترجمه	ص ۲۰۲، س ۱۶	The Bald Prima Donna	آوازه‌خوان طاس
عدم ترجمه	ص ۲۴۴، س ۳	written on the Body	رمان تن‌نوشته

- موارد بیشتر:

ص ۲۸، ۱۴، ۱۵، ۲، ۲۹، ۱۶، ۱۷، ۱۰، ۹، ۶، ۱؛ ص ۳۰، ۲۵، ۱۹، ۱۳؛ ص ۳۱، ۱۱، ۱۰، ۳؛

ص ۳۴، ۲۲، ۱۸؛ ص ۳۵، ۲۳، ۲۴، ۲۰؛ ص ۸۴، ۱۶، ۱۵؛ ص ۹۶، ۱۰ تا ۱۵؛ ص ۹۷، ۱۲ تا ۱؛

ص ۹۹، ۲۱، ۴؛ ص ۱۱۰، ۲۶، ۲۵، ۱۶، ۱۵، ۲، ۱؛ ص ۱۴۳، ۱۲؛ ص ۲۰۴، ۱؛

۱۵۶ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال بیستم، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ص ۲۱۰، س ۸؛ ص ۲۱۹، س ۲۳؛ ص ۲۲۰، س ۲۲، ۱۰، ۵؛ ص ۲۲۱، س ۱۱، ۶، ۱؛ ص ۲۲۷، س ۶؛ ص ۲۶۷، س آخر؛ ص ۲۷۰، س ۲۲، ۲۳، ۲۵؛ ص ۲۷۱، س ۷، ۶، ۵، ۱۴، ۱۳، ۹؛ ص ۲۷۷، س آخر؛ ص ۲۷۸، س ۳، ۲، ۱؛ ص ۲۸۰، س ۱۹، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵؛ ص ۲۸۱، س ۸؛ ص ۲۸۳، س آخر؛ ص ۲۸۵، س ۲۲، ۱۷، ۱۶، ۱۵؛ ص ۲۸۸، س ۲۱ تا آخر؛ ص ۲۸۹، س ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۲، ۱؛ ص ۲۹۲، س ۱۹، ۱۷، ۱۶؛ ص ۲۹۳، س ۷، ۸؛ ص ۲۹۵، س ۲۵؛ ص ۲۹۶، س ۲۳، ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۵؛ ص ۲۹۸، س ۳؛ ص ۳۰۲، س ۱؛ ص ۳۰۹، س ۲۵، ۲۲، ۲۱؛ ص ۳۱۰، س ۱۲، ۷، ۳، ۲، ۱؛ ص ۳۱۴، س ۴، ۳؛ ص ۳۳۱، س ۳؛ ص ۳۴۱، ۳۴۲؛ ص ۳۴۲، س ۲۱؛ ص ۳۴۳، س ۲۹، ۲۸؛ ص ۳۴۴، س ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۴، ۲؛ ص ۳۴۵، س ۴ تا ۴ و سطور آخر؛ ص ۳۴۶، س ۲۳، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۲، ۱ تا آخر؛ ص ۳۴۷، س ۱۶ تا ۲۲؛ ص ۳۴۸، س ۱۰ تا ۱۹؛ ص ۳۴۹، س ۲ تا ۲۰، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۷؛ ص ۳۵۰، س ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۵؛ ص ۳۵۹، س ۹، ۱۲ تا ۲۲؛ ص ۳۶۸، س ۱۶ تا ۱۶.

#### - ضبط نادرست اعلام

در موارد زیادی اسامی اشخاص و اعلام در متن به درستی بیان نشده است:

نوع خطا	صفحه و سطر	صورت موجود	صورت پیشنهادی
ضبط نادرست اعلام	ص ۵۵، س ۱۲	در سراسر قطعه نقل شده از بنک..	در سراسر قطعه نقل شده از بنکس..
ضبط نادرست اعلام	ص ۱۴۶، س ۲۰؛ ص ۱۴۷، س ۲۴	اینجا نمونه دوم خود را از رمان <u>ایان مک آوان</u> مک ایوان	رمان ایان مک یوون
ضبط نادرست اعلام	ص ۱۴۷، س ۴؛ ص ۲۱۳، س آخر ص ۲۱۵، س ۵	مستقیم به <u>هیثرو</u> بره	مستقیم به هیترو بره
ضبط نادرست اعلام	ص ۱۵۹، س ۱۰	در آغاز کتاب موئی	در آغاز کتاب مالوی
ضبط نادرست اعلام	ص ۳۳۱، س ۹	سیرل	سیرل
ضبط نادرست اعلام	ص ۲۴۳، س ۵	<u>پرل هابرد</u>	<u>پرل هاربر</u>
ضبط نادرست اعلام	ص ۳۵۲، س ۲۴	آلن گینگزبرگ	آلن گینزبرگ

#### - چند گونگی در ارجاعات

فراوانی عدم یکنواختی در ارجاع درون متنی یکی از موارد شایع در ترجمه کتاب حاضر است. به مواردی از این چند گونگی اشاره خواهیم کرد:

### تقدیر و بررسی ترجمه کتاب سبک‌شناسی ۱۵۷

نوع خطا	صفحه و سطر	صورت ۱	صورت ۲
چندگونگی در ارجاعات	ص ۱۵۱، س ۲۵	(بورتون، ۱۹۸۰).	(بورتون، ۱۹۸۰)
چندگونگی در ارجاعات	ص ۲۵۲، س آخر	(به‌عنوان مثال تورن، ۱۹۶۵)	(به‌عنوان مثال ترون، ۱۹۶۵)
چندگونگی در ارجاعات	ص ۳۵، س ۱۶	(Carter and Nash 1990:120)	
چندگونگی در ارجاعات	ص ۳۵۴، س ۱۵ ص ۳۵۵، س ۱۵	(lakoff, 1987; )	(lakoff, 1990:54 )
چندگونگی در ارجاعات	ص ۱۶۵، س ۱۳	(kovecses, 2002:48)	
چندگونگی در ارجاعات	ص ۷۷، س ۲۴، ۲۳	(گیبیز، ۱۹۹۴: ۲۱)	
چندگونگی در ارجاعات	ص ۱۶۵، س ۳	(McGough, 1971)	

### - نکات نگارشی و ویرایشی

نوع خطا	صفحه و سطر	صورت موجود	صورت پیشنهادی
نکات نگارشی	ص ۲۴۵، س ۱۳	مبدئی	مبدایی
نکات نگارشی	ص ۳۶۷، س ۱۰	نامربی	نامرئی
نکات نگارشی (تکرار)	ص ۲۲۶، س ۲۰	در حقیقت همینگوی در پرهیز و اجتناب از ایراد سخن فصیح و ادیبانه خود را به زحمت می‌اندازد. برای اجتناب از سخن بلاغی رنج می‌برد.	
نکات نگارشی (ارجاع ناصحیح)	ص ۱۱۸، س ۲۲	(الف ۱ را ببینید.)	(الف ۴ را ببینید.)

### ۳. نتیجه‌گیری

کتاب سبک‌شناسی یکی از آثار مهم در حوزه نقد و نظریه است که سبک‌شناسی را با تعریف خاص و ویژه‌ای به مخاطب معرفی می‌کند. در سال‌های اخیر، آثار متعددی در حوزه سبک‌شناسی به فارسی ترجمه شده است. آنچه این کتاب را از کتاب‌های نوشته‌شده در این حوزه مستثنی می‌کند توجه ویژه به موضوعاتی از جمله سطوح زبان، دستور، وزن شعر، نظام گذرایی، زاویه دید، بیان گفتار و اندیشه، گفتار و گفتگو، استعاره و مجاز، جناس، طنز، نقیضه، برجسته‌سازی، نام‌آوا، ریخت‌شناسی، نظریه طرح‌واره، گویش، لهجه، وجهیت و غیره است. موضوعاتی که تا پیش از این یا در کتاب‌های سبک‌شناسی فارسی به آن پرداخته نشده یا

کمتر و تنها به برخی از این عناوین ذیل موضوع سبک پرداخته شده است. بنابراین مطالب کتاب برای مخاطبی که آشنایی اولیه با موضوع سبک‌شناسی دارد می‌تواند مفید باشد. از نقاط قوت ترجمه این کتاب معادل اصطلاحات تخصصی در پانویس است. با این حال، خطاهای ویرایشی و نگارشی متعددی در اثر مشاهده می‌شود که درک مطلب و محتوای کتاب را با مشکل مواجه می‌کند.

کتاب سبک‌شناسی به دلیل شواهدی که در حوزه‌های مختلف از نویسندگان و شاعران مطرح ذکر کرده چالش‌هایی را برای مترجم به همراه داشته است. در این مورد شواهدی ارائه شد که نشان می‌داد مثلاً برخی اصطلاحات و واژگان ترجمه نشده و یا به درستی ترجمه نشده است. در برخی موارد که به آنها اشاره شد، ترجمه‌ها به صورت مفهومی صورت گرفته و این نکته مغفول مانده که معنای تحت‌اللفظی عبارات و اصطلاحات در فهم موضوع سبک‌شناسی از اهمیت برخوردار است. موارد متعددی از ضبط نادرست اعلام، چندگونگی در ارجاعات و جانداختگی در ترجمه مشاهده شد. در مواردی دیگر، علاوه بر این که معادل‌های دقیق برای واژه‌های مبدأ انتخاب نشده است، معادل‌ها در برخی موارد وحدت رویه ندارد.

همانطور که در مقدمه مقاله اشاره شد، کتاب سبک‌شناسی از مجموعه کتاب‌های راتلج است که مؤلف آن را برای دانشجویان نگاشته است. اطلاع از این موضوع و وجود تمرین‌ها و فعالیت‌ها در کتاب به خواننده کمک می‌کند تا در مواجهه با کتاب انتظارات خود را برآورده سازد.

#### منابع

سیمپسون، پاول (۱۳۹۸). سبک‌شناسی (ترجمه نسرين فقيه‌ملک‌مرزبان). تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.

Simpson, p. (1993). *Language, Ideology and point of view*. London: Routledge.

Simpson, p. Montgomery, M. (1995) *Language, literature and film: the stylistics of Bernard MacLaverty's cal*, Routledge Taylor & Francis Group: 138-164.

Simpson, p. (2004). *Stylistics*. London: Routledge.